

Semantics of the word "Ihsan" in the Qur'an based on the relations of companionship, succession and semantic opposition

(Received: 2022-07-11 Accepted: 2022-09-13)

mahyar khani moghaddam¹

Abstract

Knowledge of semantics is one of the most important tools for understanding the meaning of words based on the semantic system governing the coherent arrangement of words in the Qur'an. One of the prominent words in the field of the rules of religion is "Ehsan", which due to the various functions of jurisprudential issues, especially its realization in "stoning", its meaning in the Qur'anic context will be considered. For this purpose, the present article, after exploring the lexical meaning of the word "Ehsan", based on the descriptive - analytical and semantic method to explain the relationship between the derivatives of the word "Ehsan" and companion words (including "marriage", "believer", "vulva", "village", "Clothes", "halal", "rummy", and "prohibition"), substitute (including "chastity" and "memorization") and has a semantic contrast ("mother", "fat", "prostitute", "traveler", "Baghi") has dealt with it in the Qur'an. According to the results of the research, "Ehsan" creates a state in human beings that he/she self-carefully avoids any crossing of the divine sanctuaries, especially in the field of sexual matters, and like armor prevents the damage to a person caused by deviations and related slanders.

Key words: Ehsan, semantics, succession, companionship, Quran



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

1) Assistant Professor of Qur'an and Hadith at Gilan University rasht.Iran Email: m.khani@guilan.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



مقاله علمی - پژوهشی، صص ۳۱۴-۳۳۱

DOR: 20.1001.1.26455714.1400.5.2.12.4

مقاله علمی - پژوهشی

معناشناسی واژه «إحسان» در قرآن باتکیه بر روابط هم‌نشینی و جانشینی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲)

مهیار خانی مقدم^۱

چکیده

فهم واژه «إحسان» در حوزه احکام دین، ناظر به روابط بین فردی به ویژه با تأکید بر خانواده بوده و به صدور احکامی (شلاق، اعدام و ...) منتهی می‌گردد. بهترین منبع برای فهم دقیق معنای آن، تتبع در چینش حکیمانانه الفاظ قرآن با استفاده از دانش معناشناسی است. در مقاله حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای رویکرد معناشناسی، به تبیین رابطه مشتقات واژه «إحسان» با واژگان هم‌نشین (شامل «نکاح»، «مومن»، «فرج»، «قری»، «لبس»، «حل»، «رمی» و «منع»)، جانشین (شامل «عفاف» و «حفظ») و دارای تقابل معنایی («ایامی»، «فتی»، «فاحشه»، «مسافحه»، «بغی») با آن در قرآن پرداخته شد. بر اساس نتایج پژوهش، «إحسان» فارغ از شرایط حداقلی آن در فقه (ازدواج و اسلام) و حداکثری آن در اخلاق (تقوا و عفت ورزی) حالتی در انسان ایجاد می‌کند که به صورت خودمراقبتی از هرگونه عبور از حریم‌های الهی به ویژه در زمینه مسائل جنسی پرهیز نماید و مانند یک زره، مانع از رسیدن آسیب‌های ناشی از انحرافات و به تبع آن، تهمت‌های مرتبط با آن به انسان گردد.

کلید واژه‌ها: إحسان، معناشناسی، محور جانشینی، محور هم‌نشینی، تقابل معنایی؛

(۱) استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه گیلان رشت ایران، ایمیل: m.khani@guilan.ac.ir



۱. مقدمه

در معناشناسی زبانی، از دو رویکرد در زمانی و هم‌زمانی برای مطالعه معنا استفاده می‌شود که عنصر زمان در رویکرد هم‌زمانی در معناشناسی دخیل نبوده و بر اساس تطوّر معنا در طول زمان، به بررسی معنا پرداخته نمی‌شود، بلکه کل متن در یک مقطع زمانی، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۴۳-۳۹) در این رویکرد، دو نسبت هم‌نشینی و جانشینی برای ترسیم معنای اصلی واژه در همان متن و همچنین مقصود اصلی گوینده بر اساس مؤلفه‌های معنایی، موضوعیت دارد. (صفوی، ۱۳۸۷: ۷۰)

توجه به روابط معنایی واژگان یک متن، به کشف معنایی جدیدی فراتر از حوزه لغوی، منتهی خواهد شد و تحلیل کاملی از یک متن، ارائه می‌دهد (ر.ک: پالمر، ۱۳۹۱: ۱۳)؛ زیرا روابط معنایی، دستاورد جدیدی است که براساس آن، ارتباط واژگان با یکدیگر بر اساس مؤلفه‌های مختلفی مانند ترادف، شمول معنایی، تقابل، توسعه و تخصیص یا تضییق معنایی، سنجیده شده و تصویر مفهومی تا حد امکان جامعی برای فهم واژگان به دست داده می‌شود. خاستگاه این رهیافت به پژوهش‌های میدان‌های معنایی برمی‌گردد؛ زیرا معنای واژه، تنها در ارتباط با دیگر واژگان، آشکار می‌شود.

بررسی مفهوم «إحسان» در ارتباط با سایر مفاهیم نزدیک به آن و نیز مفاهیم متقابل آن، تکمیل‌کننده تصویر ساختمان درونی آن است. برای دستیابی به این هدف، روش تحلیل مفهومی بر مبنای روابط جانشینی و هم‌نشینی و تقابل معنایی انتخاب شده تا عناصر معنایی این مفهوم، روابط میان این عناصر و روابط میان کل این مفهوم با سایر مفاهیمی که به گونه‌ای با آن ارتباط دارند، مورد کاوش قرار گیرد؛ لذا تصویری دقیق‌تر بوده و از غنای کافی برخوردار باشد تا بتواند در عین وضوح بخشی، پیچیدگی مفاهیم را نیز نشان دهد. برای دستیابی به مفهوم درونی واژه «إحسان» باید روابط جانشینی و هم‌نشینی در آیه را واکاوی نمود تا به صورت شایسته، مؤلفه‌های معنایی را به دست آورد.

کلمه «إحسان» در قرآن به کار نرفته، اما مشتقات مختلف از ریشه «ح‌ص‌ن»، ۱۸ بار در قرآن به کار رفته و بررسی موارد استعمال اشتقاقیات آن و کتب و جوه و نظائر این موضوع را تأیید می‌کند که این واژه، مشترک لفظی است. (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ۵۲۲) در روایات فقهی و آثار فقیهان نیز إحسان و مشتقات آن بیشتر در مجازات زنا و تخطی در روابط جنسی به کار رفته و آرای مختلفی در اصطلاح‌شناسی إحسان در لغت، تفسیر و فقه اسلامی مطرح شده است.

از آنجایی که از مستندات مهم مجازات «رجم» زناکار، شرط إحسان است، پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد معناشناسی و بر اساس مکتب بن،

ضمن تعیین هسته معنایی واژه به بررسی توصیفی و تبیین جایگاه معنایی إحصان در نظام واژگانی قرآن با تکیه بر روابط هم‌معنایی و جانشینی بردارد و به این سؤال پاسخ دهد که واژه «إحصان» در بافت و کاربرد و حیانی، با چه واژگانی هم‌نشینی یا جانشینی دارد؟

۱.۱. پیشینه پژوهش

مقالات متعددی در باب معنای إحصان با رویکردی فقهی نگاشته شده است: مقاله «اسباب تحقق و زوال إحصان در اسلامی»، ملاک إحصان را به طور کلی امکان تمتع می‌داند و براساس آن، برخلاف آنچه در قانون مجازات اسلامی مقرر جرائم منافی عفت با رویکردی به قانون مجازات شده، همسر موقت نیز می‌تواند موجب تحقق إحصان شود. مقاله دیگر اثر «جان برتن» است که به معناشناسی اصطلاح إحصان در پرتو روایات تفسیری و آرای فقهی مذاهب اسلامی با رویکرد تاریخی پرداخته است. تنها دلیل اثبات مشروعیت رجم، سنت فقهی است که جان برتن کوشیده تا پیشینه تاریخی آن را از عصر پیامبر (ص)، صحابه تا عصر تابعان و ائمه مذاهب فقهی و توصیفی از رجم در ادیان مسیحیت، یهود و کتاب مقدس ارائه کند. (Burton, Journal of semitic studies, 1974: Vo 19, pp 47-74) همچنین در مدخل «إحصان» در دائرة المعارف قرآن کریم، ضمن بررسی معنای لغوی و اصطلاحی آن، اقسام إحصان بر اساس قرآن و برداشت‌های مفسران بیان شده است. (نویسندگان، ۱۳۸۷: ۳۰۷/۲-۳۱۱) در مجموع بر اساس تتبع نگارندگان، تاکنون پژوهش مستقلی با مسأله و رویکرد پژوهش حاضر به زیور طبع آراسته نشده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

معنا در دو گونه رابطه کلی، قابل بررسی است: رابطه هم‌نشینی که روابط درون‌متنی یعنی چگونگی قرارگرفتن عناصر در کنار هم و فرایند انتقال معنا را بررسی می‌کند و رابطه جانشینی که بر اساس آن، رابطه بینامتنی یعنی چگونگی جایگزینی عناصر به جای هم و علت انتخاب واژه ذکرشده و در متن به جای واژگان احتمالی بررسی می‌شود. منظور از روابط هم‌نشینی، تشخیص معنای واژه از طریق معنای واژه‌های هم‌نشین است و واژه‌ها در هم‌نشینی می‌توانند معانی خاص به خود بگیرند. (همان، ۱۶۱) در نسبت جانشینی، دسته‌بندی بر اساس شباهت موجود میان مفهوم‌ها و مدل‌های واژه صورت می‌گیرد. (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶: ۱۳۰) رابطه میان واژه‌های قرآن دو گونه است: رابطه افقی و عمودی، اگر به ارتباط الفاظ در محور افقی بنگریم، معنایی که از واژه به دست می‌آید به وسیله توصیف بافتی، متن یا هم‌نشینی است اما اگر به نسبت کلمات در محور عمودی کلمات بنگریم، معنا یا معانی دیگری از راه جانشینی برای کلمه به دست می‌آید. (شریفی، ۱۳۹۴: ۱۹۹)

۲. ۱. کاربرد «إحصان» در قرآن

مشقات مختلف ریشه «ح ص ن» ۱۸ مرتبه در قرآن، استعمال شده که نمایی از آن به شرح جدول ذیل است:

واژگان	تکرار	الفاظ و نشانی آیه
أُحْصِنَ	۱	﴿...فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ حَسِنَى الْعَمَلِ مَنَّكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نساء/۲۵)
أُحْصِنَتْ	۲	﴿وَالَّتِي أُحْصِنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء/۹۱) ﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أُحْصِنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ وَ كَانَتْ مِنَ الْقَائِمِينَ﴾ (تحریم/۱۲)
الْمُحْصَنَاتِ	۴	﴿وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمَنْ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ قَبَائِكُمْ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ... فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ﴾ (نساء/۲۵) ﴿وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُنَّ مِائَتِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُنَّ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور/۴) ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نور/۲۳)
الْمُحْصَنَاتِ	۳	﴿وَالْمُحْصَنَاتِ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (نساء/۲۴) ﴿الْيَوْمَ أُجَلَ لَكُمْ الطِّيبَاتِ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (مائده/۵)
تَحْصَنًا	۱	﴿وَلَيْسَتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تَكْرَهُوا قَبَائِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِنَبْتُوهُنَّ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نور/۳۳)
تُحْصِنُونَ	۱	﴿ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ﴾ (يوسف/۴۸)
حُصُونَهُمْ	۱	﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾ (حشر/۲)
لِتُحْصِنَكُمْ	۱	﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ﴾ (انبیاء/۸۰)

سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

واژگان	تکرار	الفاظ و نشانی آیه
مُحْصَنَاتٍ	۱	﴿فَأَنكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ﴾ (نساء/۲۵)
مُحْصَنَةٍ	۱	﴿لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحْصَنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (حشر/۱۴)
مُحْصِنِينَ	۲	﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (نساء/۲۴)
		﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّلَ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّلَ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنْ الْخَاسِرِينَ﴾ (مائده/۵)

سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

از این ریشه، الفاظ پنج بار در قالب فعلی ذکر شده‌اند: -أَحْصَنَ، أَحْصَنَتْ (۲بار)، تُحْصِنُونَ و تُحْصِنُكُمْ- که غالباً در باب افعال است و از جمله معانی باب افعال، آن است که فاعل (یا مفعول) دارای ماده فعل و صفت آن شود. ۱۳ بار نیز در قالب اسمی به کار رفته که اکثر آن ناظر به جنس مؤنث- الْمُحْصَنَاتِ (۴بار)، الْمُحْصَنَاتُ (۳بار)، مُحْصَنَاتٍ، تَحْصَنًا- است.

۲.۲. معنای لغوی و اصطلاحی واژه «إحصان»

مکانی را که «حصن» داشته باشد، نمی‌توان به درونش دست یافت و «الحصینه» به معنای زرهی است که محکم بافته شده باشد. اگر زن در «محسن بودن» فاعل باشد یعنی زوجهش را از نفوذ و دسترسی غیر، محافظت می‌کند و اگر مفعول باشد یعنی همسرش او را از دسترسی دیگران محافظت می‌کند. (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۱۱۹/۳) پس منظور از «أَحْصَنَتْ فَرْجَهُ» (تحریم/۱۲) ازدواج است. البته که «الْمُحْصَنَةُ» بودن علاوه بر ازدواج، می‌تواند ناشی از عفت، شرف و آزادگی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۹) و اسلام آوردن هم باشد. (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳۹۷/۱) پس اصل معنای آن، منع است (ابن منظور، ۱۳۶۷: ۱۱۹/۱۳) و به همین دلیل مراد از «حصن» مکانی است که ارتفاع بلندش، مانع از آن است که بر آن احاطه یابند. (فیومی، ۱۴۱۴: ۱۳۹/۲) همان‌گونه مرد می‌تواند با ازدواج، از دسترسی‌های ناپسند افراد، در امان بماند. (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۳۷۲۳۶/۶-) نتیجه نهایی «حصن» حفظ مطلق چیزی در ظاهر و باطن و حالتی شخصی است. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲/۲۳۴).

واژه «إحصان» در در اصطلاح فقهی به دو معنای «همسر داشتن» و «پاکدامنی» است که در منابع فقهی، از معنای اول به «إحصان الرجم» و از معنای دوم به «إحصان القذف» نیز یاد می‌شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳: ۱۱۱/۷) معنای اصطلاحی دیگر در مورد جرم قذف که

احسان از اجتماع عقل، بلوغ، حریت، اسلام و عفت در یک فرد حاصل می‌شود، احسان از اصطلاحات فقهاء بوده و در نصوص شرعی دیده نشده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۶۱) احسان در حقوق کیفری، بیانگر وضعیت شخص عاقل و بالغی است که به عقد دائم ازدواج کرده و همسرش پیوسته برای تمتع جنسی در اختیار وی است و مانعی برای وطی در میان نیست. که این نکته از ماده ۸۳ الی ۸۶ قانون مجازات اسلامی در مورد زنا محصنه و شرایط تحقق احسان است. (ابن مکی، ۱۳۷۴: ۵۲/۲؛ ایمانی، ۱۳۸۲: ۲۹)

۳.۲. بررسی همنشین‌های معنایی «احسان»

واژه «احسان» و ساختارهای مختلف آن، دارای همنشین‌های متعددی است، اما واژگان همنشین اصلی که در غالب اشتقاقات این ریشه واژه دیده می‌شوند و بسامد بالایی در همنشینی با واژه احسان دارند، شامل «نکح»، «مومن»، «فرج»، «قری»، «لبس»، «حلل»، «رمی» و «منع» در اولویت قرار داشته و اهمیت بیشتری دارند.

۳.۲.۱. هم‌نشینی «احسان» با «نکاح»

«نکح» در لغت به معنای عقد و پیمان (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۳) بوده که مجرای ازدواج می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۶۳/۳) پس معادل با ازدواج و به معنای تعهدی دو طرفه میان زن و مرد بر مبنای قواعد دینی یا عرفی است. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۳۴/۱۲)

در آیه ۲۵ نساء می‌توان همنشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَ...﴾

اشاره آیه آن است کسانی که قدرت ندارند که با زنان آزاد، ازدواج کنند می‌توانند با کنیزانی ازدواج نمایند که مهر و سایر مخارج آنها معمولاً سبکتر و سهل‌تر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۴۸/۳) بر اساس آیه از جمله شروطی که برای ازدواج باید در فرد طرف مقابل وجود داشته باشد، محصن بودن و عفت‌ورزی است و جالب آنجاست که خداوند این صفت را بر مومن بودن مقدم کرده «الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ» تا اهمیت مضاعف آن را به مخاطب منتقل کند. پس نیازی به انحصار مفهوم آن در ازدواج نیست و فرد می‌تواند با مراعات حیا، خود را درون یک محیط مصون کننده قرار دهد.

۳.۲.۲. هم‌نشینی «احسان» با «ایمان»

هم‌نشین دیگر، واژه «مومن» از ریشه «امن» که در اصل به معنای آرامش خاطر و آرامش نفس (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰) و ضد ترس (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۳۸۸/۸) است. ایمان، به معنای تصدیق (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۶۹/۲) و مومن کسی است که متصف به ایمان باشد.

(طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۶/۲)

در آیه ۲۵ نساء می‌توان هم‌نشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ﴾ با توجه به مفهوم آیه، از جمله شروطی که یک مومن در انتخاب همسر خود باید مراعات کند، مومن بودن اوست؛ زیرا ایمان می‌تواند انسان را از ارتکاب موارد متعددی از امور خلاف عفت باز بدارد و نوعی آرامش خاطر و عزت نفس را به ارمغان آورد. ایمان به آیین اسلام یکی از شرایط احسان است، اما این امر به مفهوم نفی احسان و پاکدامنی از مومنان به سایر ادیان الهی نیست.

۲.۳.۳. هم‌نشینی «احسان» با «فرج»

یکی از هم‌نشین‌ها، واژه «فَرَجٌ» است که در لغت به معنای گشودن (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۲۲/۲) و شکافتگی میان دو چیز بوده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۸) که مصداق آن، عورت مردان و زنان است. (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۱۰۹/۶)

در دو آیه از قرآن می‌توان هم‌نشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء/۹۱)؛ ﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَاتِبِينَ﴾ (تحریم/۱۲)

هر دو آیه ناظر به حضرت مریم(س) و مدح او به داشتن عفت و رد تهمت یهود بر وی بوده (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۷/۱۴) و دو نکته از آن قابل برداشت است: ۱. تعبیر پاکدامنی که معادل «حصن فرج» است به معنای ممانعت از سوءاستفاده غیر به عورت فرد بوده و عفت ورزی، مفهوم رایج متناظر به آن است. ۲. از آنجا که بحث پاکدامنی حضرت مریم(س) مرتبط به قبل از ازدواج است، از نظر مفهومی نمی‌توان احسان را تنها منحصر در ازدواج دانست.

۲.۳.۴. هم‌نشینی «احسان» با «قری»

واژه هم‌نشین دیگر، واژه «قری» است که عرب، آن را برای جمع کردن آب در حوض هم استفاده کرده (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۲۰۴/۵) و عموماً برای شهر و یا جایی که مردم در آنجا مجتمع هستند، استعمال می‌گردد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۹) بدین‌رو می‌توان آن را ناظر به تجمیع افراد و ساختمان‌ها به همراه سازماندهی دانست. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۵۳/۹)

در آیه ۱۴ حشر می‌توان هم‌نشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ آیه اشاره دارد که یهود و منافقان نمی‌توانند بصورت جمعی با مسلمان بجنگند جز اینکه در مکانی محافظت شده با ابزاری چون خندق یا پشت دیوار قرار بگیرند؛ زیرا خداوند

در قلوب آنها ترس ایجاد می‌کند. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۵۱۰/۲۹) بر اساس مفهوم آیه، صفت «محصن بودن» علاوه بر اشخاص، ناظر به اشیا هم می‌باشد و افراد با پناه بردن به پناهگاه‌ها و ابزارهای مستحکم، از ورود آسیب به خود ممانعت می‌کنند.

۲.۳.۵. هم‌نشینی «إحصان» با «لبس»

واژه هم‌نشین بعدی، «لبوس» در لغت به معنای چیزی است که بدن را بپوشاند (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۲۶۲/۷) که مصداق بارز آن لباس است (ابن منظور، ۱۳۶۷: ۲۰۲/۶)؛ اما قید اصلی معنای این واژه، پوشاندن جهت حفظ کردن است، پس شامل مصادیق متعدد مادی و معنوی چون لباس بدن، لباس کعبه، پوشش کجاوه یا هر یک از زن و شوهر (به عنوان محافظ یکدیگر) خواهد بود. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۵۹/۱۰)

در یک آیه می‌توان هم‌نشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَعَةَ لُبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ﴾ (انبیاء/۸۰) آیه مرتبط با ساخت زره، به عنوان یکی از نعمات الهی به حضرت داود است. معنای کلی لبوس در نزد عرب، سلاح است که شامل زره، سپر، شمشیر و نیزه می‌شود. (طوسی، بی‌تا: ۲۶۹/۷) بر اساس این آیه، محصن بودن صفتی برای لباس جنگی بیان شده و محکم بودن آن مانع از خطرات میدان جنگ برای فرد شود.

۲.۳.۶. هم‌نشینی «إحصان» با «حل»

از دیگر هم‌نشین‌ها، واژه «حَلَّ يَحُلُّ» با مصدر حَلَّال است که در تقابل با حرام و به معنای ملاک برای انجام دادن یا ترک فعلی است. (فیومی، ۱۴۱۴: ۲۶۷۳) اصل معنای آن، رفع گره و حرمت (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۷۰/۲) و بیان اجازه برای ورود به کار یا مکانی است.

در یک آیه از قرآن می‌توان هم‌نشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿الْيَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (مائده/۵)

در این آیه جمله مورد بحث ما «الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ» عطف به «الطَّيِّبَاتُ» است و همان حکم حلیت طرفینی درباره طعام اهل کتاب و مسلمانان، پیرامون ازدواج طرفینی نیز جاری بوده و مراد از «محصنات» هم عفت ورزیدن از زنا و روابط نامشروع است. (قاسمی، ۱۴۱۸: ۵۴/۴) البته برخلاف اهل سنت، عمده علمای شیعی، حلال بودن ازدواج با زنان اهل کتاب را فارغ از محصنه بودن، صرفاً در عقد موقت جایز دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵۱/۳) در این آیه از جمله شروط حلالیت رابطه و مجوز ورود و بهره‌مندی در ازدواج، داشتن عفت و محصنه بودن و ایمان به ادیان آسمانی است.

۲. ۳. ۷. هم‌نشینی «إحسان» با «رمی»

از دیگر واژه‌های هم‌نشین، واژه «رمی» است که برای اجسام مثل تیر و سنگ به کار می‌رود و کاربرد آن در گفتگو، کنایه از بدگویی و دشنام و تهمت است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۶) در اصل نیز به معنای پرتاب کردن و انداختن چیزی از روی بی‌نیازی به آن است. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۳۷/۷)

در دو آیه می‌توان هم‌نشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نور/۲۳)؛ ﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور/۴)

هرچند سبب نزول آیه مذکور، نفی تهمتی بود که به عایشه همسر پیامبر اسلام (ص) زده بودند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵/۵)، اما مضمونش عام بوده و شامل تمام زنان مومن می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۴/۱۵) بدین‌رو هر گونه تهمت زدن به زنان مومنی که عقیف هستند و از هر گونه آلودگی بی‌خبرند، با لعنت الهی در دنیا و آخرت مواجه خواهد شد. بر اساس آیه باید برای نسبت دادن رفتار و گفتار به دیگران دقت کرد و در واقع، محصنه بودن یک زن در نگاه عرف، دقت سایر افراد را در پرهیز از نسبت دادن موارد ناپسند به وی، مضاعف می‌نماید.

۲. ۳. ۸. هم‌نشینی «إحسان» با «منع»

واژه هم‌نشین دیگر، «منع» در لغت به معنای حائل شدن بین فرد و اراده‌اش (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۱۶۳/۲) و ضد بخشش (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۲۴) و در اصل، ایجاد حالتی است که فرد قادر بر کاری را از آن، ناتوان سازد یا ایجاد حالتی است که موجب توقف جریان عملی شود. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۱/۱۷۹)

نمونه هم‌نشینی آن: ﴿...مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا...﴾ (حشر/۲) آیه به گمان باطل قبیله یهودی «بنی‌النضیر» اشاره دارد که گمان کردند قلعه‌های آنها، مانع از تسلط خدا و نزول عذابش بر آنهاست. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۸۸/۹) صفت محصن بودن در این آیه، ناظر به قلعه (نماد ساختمان یا ابزار) است که بر اساس توهم یهودیان، مانع از رسیدن عذاب الهی به واسطه هجوم مسلمانان بود.

۲. ۴. بررسی جانشین‌های معنایی «إحسان»

در هیچ زبانی هم‌معنایی مطلق وجود ندارد، یعنی هیچ دو واژه‌ای را نمی‌توان یافت که در تمامی جملات زبان بتوانند به جای یکدیگر به کار روند و تغییری در زنجیره پدید نیاورند. (صفوی، ۱۳۹۱: ۱۰۶) با این حال می‌توان با تأملی در بافت‌هایی که بر اساس سیاق، با واژگان دیگر قرآنی دارای هم‌راستایی معنایی با «إحسان»، شبکه مفهومی واژگان مشتق از

«حصن» را کامل نمود که این واژگان جانشین شامل «عفف» و «حفظ» است.

۲. ۴. ۱. جانشینی «عفاف» از «إحسان»

واژه «عفف» در لغت به معنای خودداری کردن از آنچه حلال نیست (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۹۲/۱) و حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی است که به وسیله آن از تسلط شهوت، جلوگیری می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۳) از جمله آیاتی که این جانشینی معنایی را نشان می‌دهد، آیه ۳۳ نور است: ﴿وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾

زمانی که برای مؤمن وسیله ازدواج فراهم نمی‌گردد و خواه یا ناخواه انسان مجبور است مدتی را با محرومیت بگذرانند، نباید گمان کنند که آلودگی جنسی برای او مجاز است، بلکه باید پاکدامنی ورزد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴/۵۹) عفاف هم مانند احسان، به عنوان یک نیروی درونی، انسان را از تمایل به شهوات باز می‌دارد و می‌تواند مانع از رسیدن آسیب‌های جسمی و روحی به انسان شود.

۲. ۴. ۲. جانشینی «حفظ» از «إحسان»

واژه دیگر، «حفظ» بوده که به معنای جلوگیری از ضایع و تلف شدن (فیومی، ۱۴۱۴: ۱/۷۴۴) و نقیض فراموشی و نشانگر اندک بودن غفلت در فرد است. (ابن منظور، ۱۳۶۷: ۱/۷۴۴) همچنین گاهی به حالتی از جان و نفس گفته می‌شود که در آن، فهم با آرامش به او می‌رسد و ثابت می‌ماند و گاهی نیز در معنی قدرت خودداری و ضبط نفس است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۴) بدین‌رو حقیقت معنای حفظ، مراقبت و نگهداری مطلق است. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲/۲۵۳)

از جمله آیات نشان دهنده قرابت معنایی این دو واژه، آیه ۲۵ سوره احزاب است: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ... وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾

منظور از حفظ فرج، کنترل میل جنسی و تسلط بر دفع آن بر اساس تقوا و خضوع در برابر شریعت الهی و تامین حکمت او از رابطه جنسی مشروع برای آبادنی زمین و ترقی حیات انسانی است. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۵/۲۸۶۳) در آیات دیگر ترکیب «احصنت فرجها» به کار رفته که معادل «حفظ فرج» است و در هر دو، مراقبت از میل جنسی و اندام تناسلی از انحراف و ممانعت از رسیدن آسیب به حیات انسانی مورد تأکید است.

۲. ۵. بررسی تقابل معنایی با واژه احسان

یکی از راه‌های شناخت معنا و مفهوم هر واژه، شناخت واژگان مقابل آن است. «روابط

تقابلی» یا «تضاد» بین دو مفهومی است که مؤلفه معنایی مشترک دارند، ولی یکدیگر را نقض کرده و در مقام تضعیف و نفی یکدیگر هستند و از این رو در عین اتحاد در کلیت معنا از جهات دیگری با یکدیگر افتراق دارند. تقابل معنایی گونه‌های مختلفی را شامل می‌شود و تحلیل مفهوم برجسته‌ترین واژگان متضاد «احسان» به درک جامع‌تری از مفهوم آن کمک می‌کند.

۲. ۵. ۱. تقابل معنایی «احسان» و «ایامی»

ازدواج یکی از شرایطی است که می‌تواند دستیابی به «احسان» را فراهم کند، بدین رو گاهی معنای «محسن بودن» در برابر غیر متاهل بودن قرار می‌گیرد که در ادبیات قرآنی از آن به «الایامی» (نور/۳۲) یاد شده و در لغت به معنای زن یا مرد بدون همسر است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۰۰) البته اصل این واژه به معنای اضطراب بدون آرامش است (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۹۶/۱) که در خصوص فرد بی‌همسر، ناظر به اضطراب او در تأمین نیازهای جسمی و روحی به دلیل نبود همسر خواهد بود.

آیه ۲۴ نساء، تقابلی معنایی دو واژه مذکور را بیان می‌دارد: ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ﴾ منظور از محصنات، زنان شوهردار است و آیه به حرمت ازدواج با آن‌ها اشاره دارد. این ممنوعیت شامل زنان شوهردار از هر مذهب و ملتی شده و تنها استثنایی که آیه بیان کرده، در مورد زنان شوهردار غیرمسلمانی است که به اسارت مسلمانان در جنگ‌ها درمی‌آیند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۳۳/۳) ارتباط بین احسان و ازدواج از این جهت است که ازدواج، زن را در حصار شوهر قرار می‌دهد و باعث احترام نهادن به او و عدم طمع و نظر داشت به او می‌شود؛ زیرا ازدواج می‌تواند او را از دستبرد آزار مزاحمان باز دارد.

۲. ۵. ۲. تقابل معنایی «احسان» و «فتی»

در قرآن کریم از پنج واژه برای بیان مفهوم بردگی استفاده شده که شامل «عبد» (بقره/۱۸۷)، «رقبه» (مائده/۸۹)، «امه» (نور/۳۲)، ملک یمین (نساء/۳) و «فتی/فتو» (یوسف/۳۰) است. واژه مورد نظر که سیاق مشتقات واژه «احسان» در قرآن نیز قرار دارد «فَتَيَاتِكُمْ» بوده که ریشه اصلی آن، «فتو» به معنای جوان (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۱۳۷/۸) که به صورت کنایه برای بردگان زن و مرد استعمال می‌شد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۵) البته می‌توان مفهوم محوری این واژه را امری بالغ و تام (فارغ از مادی یا معنوی بودن) دانست که مصادیق مختلفی از جمله جوان در نهایت قدرت عقلی است، دارد و دلیل نام نهادن برده به «فتی» به دلیل تام بودن خضوع و احترام برده در برابر مالک خویش است. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۸/۹)

آیه بیانگر تقابل معنایی دو واژه مذکور، آیه ۲۵ سوره نساء است: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَسْتِطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمَنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ﴾

مراد از محصنات زنان آزاد است، چون در مقابلش فتيات را آورده، که به معنای کنیزان است، و عین این مقابله شاهد بر آن است که مراد از محصنات زنان عقیف نیست، چون اگر آن بود شامل زنان آزاد و برده هر دو می‌شد، دیگر زنان برده را در مقابلش ذکر نمی‌کرد و بلکه در مقابل زنان عقیف زنان غیر عقیف را نام می‌برد و نیز منظور از آن زنان شوهردار نیست، برای اینکه زنان شوهردار را نمی‌توان نکاح کرد و نیز منظور زنان گرویده به اسلام نیست و گرنه احتیاج نداشت بفرماید زنان محصنه، بلکه همان قید مؤمنات کافی بود؛ زیرا مؤمنات، مسلمات نیز هستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۵/۴)

بردگی یک از عواملی است که موجب از دست رفتن شرایط «احسان» می‌شد؛ زیرا در دوران جاهلیت و صدر اسلام، زنا در بین کنیزان شایع بود و مالکان آن‌ها، کنیزان را وادار به این کار می‌کردند، اما زنان آزاد از ارتکاب آن ننگ داشتند. اساساً آزاد بودن زن مانع می‌شود از اینکه کسی مالک ناموس او شود و یا آزاد بودنش می‌تواند مانع شود از اینکه مرتکب زنا گردد. البته می‌توان این نکته را کنایه‌ای هم دانست که کسی که برده شهوت خود است، توانایی احسان و مراقبت و ممانعت نفس خود از ارتکاب به انحراف‌ها را ندارد.

۲. ۵. ۳. تقابل معنایی «احسان» و «فاحشه»

«فاحشه» به معنای هر کار یا حرفی برخلاف حق (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۹۶/۳) که زشتی آن‌ها بسیار بزرگ و آشکار است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۶) فحشاء و فاحشه در قرآن به زنا (اسراء/۳۲)، لواط (نمل/۵۴ و اعراف/۸۰)، مساحقه (نساء/۱۵) به قولی، تزویج نامادری (ازدواج با زن پدر پس از وفات پدر) (نساء/۲۲) و هر کار بسیار زشت گفته شده است و در آیه (الطلاق/۱) به معنی اذیت اهل خانه و دشنام دادن است. (ر.ک: قرشی، ۱۴۱۲: ۱۵۴/۵-۱۵۳) یکی از ویژگی‌های «فاحشه» آن است که در قرآن اغلب اوقات در ارتباط با نام شیطان استعمال می‌شود. (ر.ک: ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۴۸۲)

از جمله آیاتی که تقابل معنایی «احسان» و «فاحشه» را نشان می‌دهد، آیه ۲۵ نساء است:

﴿فَإِذَا أَحْصَنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ...﴾

آیه بیانگر آن است کنیزانی که بر اثر فشار صاحبان خود تن به خودفروشی می‌دادند از مجازات معاف هستند، اما کنیزانی که تحت چنین فشاری نیستند و می‌توانند پاکدامن زندگی کنند، اگر مرتکب عمل منافی عفت شدند همانند زنان آزاد مجازات می‌شوند اما مجازات آن‌ها نصف مجازات زنان آزاد است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵۱/۳) پس در مقابل «احسان» و پاکدامنی، «فحشاء» هم قرار دارد که به معنای عمل منافی عفت و دارای زشتی آشکار است که خداوند از آن نهی فرموده و به دلیل آسیب‌هایی که به فرهنگ اجتماعی وارد می‌کند، برای آن مجازات تعیین فرموده است.

۲. ۵. ۴. تقابل معنایی «احسان» و «مسافحه»

در قرآن مفهوم «احسان»، تقابل آشکاری با مفهوم «مسافحه» دارد. قرآن در آیه ۵ سوره مائده ﴿...و لا متخذات اخدان...﴾ و نیز در آیه ۲۵ سوره نساء ﴿...و لا متخذی اُخْدَانٍ﴾ زنان و مردان را از داشتن روابط دوستانه با جنس مخالف بر حذر داشته و آن را مورد مذمت قرار داده است. «مسافحه» از ریشه «سَفَح» به معنای ریختن و جاری کردن (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۱۳۴/۵) و عدم حفاظت از چیزی است که شأن آن، مستلزم محافظت است. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۳۵/۵)

آنچه که این آیه به آن اشاره دارد صرف رابطه پنهانی نیست؛ بلکه مربوط به باوری است که در دوره جاهلیت مرسوم بوده است. از ابن عباس نقل شده است که در دوره جاهلیت قومی بوده است که زنا را حرام و زنا را پنهان را حلال می دانسته‌اند. سپس خداوند آن‌ها را از هر گونه زنا، چه پنهان و چه آشکار نهی کرد. لذا می توان گفت منظور از آیه ﴿غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَ لَا مُتَّخِذَاتِ اُخْدَانٍ﴾ غیر زانی بودن است؛ چه زنا را آشکار و چه زنا را پنهان. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۵/۳) برخلاف «حصن» که محفوظ نگه داشتن ظاهر و باطن چیزی است، «سَفَح» به معنای عدم حفاظت چیزی از خود و تجاوز از حد عفت و عصمت است. فرد «محصن» با اختیار خود از خود محافظت کرده و جلوی افتادن خود در ورطه آسیب دیدن و انحراف را می گیرد، اما فرد «مساحف» با سوءاستفاده از اختیار، خود را به ورطه فجور و زنا می اندازد.

۲. ۵. ۵. تقابل معنایی «احسان» و «بغی»

واژه دیگری که تقابل معنایی با «احسان» دارد، «بغی» است که در لغت به معنای شکافتن (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۵۳/۴) و قصد تجاوز نمودن یا عبور از میانه‌روی «چه در عمل به تجاوز منتهی شود یا نشود» است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۵) معنای اصلی آن، طلب شدید و اراده مؤکد بر کاری است که بر اساس قرائن مختلف، معنای متفاوتی می یابد (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۹۵/۱) اما در کاربرد قرآنی، از روی بی نیازی بیش از حد، برخلاف شرع و قانون و نیز بیدادگرانه عمل کردن علیه دیگران است. (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۲۹۳)

پیرامون تقابل معنایی «بغی» و «احسان»، شواهدی از قرآن وجود دارد؛ به رغم آنکه در آیه ۱۲ سوره تحریم، حضرت مریم (س) به خاطر رعایت پاکدامنی به «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» توصیف شده اما در آیه ﴿يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمِّكَ بَغِيًّا﴾ (مریم/۲۸)

قید «مَا كَانَتْ أُمِّكَ بَغِيًّا» بیانگر تویخ تأکیدی به حضرت مریم (س) است (قاسمی، ۱۴۱۸: ۹۲/۷) و تهمت ناروای زنا توسط بنی اسرائیل به ایشان است زیرا مادر او را فردی می دانند که از حریم (جنسی) تجاوز نمی نمود، اما او را که بدون همسر دارای فرزند شده، تعدی کننده

از حریم مذکور دانستند. نمونه دیگر، آیه ﴿لَا تُكْرَهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا...﴾ (نور/۳۳)

این آیه نشان می‌دهد که تا چه حد در عصر جاهلیت مردم گرفتار انحطاط و سقوط اخلاقی بودند که حتی بعد از ظهور اسلام نیز بعضاً به کارهای تجاوزگرانه خود ادامه می‌دادند از جمله اینکه کنیزان خود را برای کسب درآمد بیشتر، مجبور به خودفروشی می‌کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۴۶۱) «احسان» و پاکدامنی به معنای ممانعت از عبور از حریم‌ها و حفاظت از آنهاست و «بغی» به معنای تجاوز از حدود است.

نتیجه‌گیری

برجسته‌ترین نکات به دست آمده از این پژوهش را می‌توان در نکات زیر بیان داشت:

۱- اشتقاقات واژه «احسان» در قرآن را می‌توان در دو محور عمده دانست: محور اول: آیات مربوط به ویژگی‌های انسان و محور دوم: آیاتی که دلالت صفات اشیاء دارند و از همین حیث جنبه وصفی این ریشه واژه و چگونگی کاربرستی آن در قرآن موضوعیت می‌یابد. در قرآن زنان برگزیده ای چون حضرت مریم (س) با این صفت ستوده شده‌اند (تحریم/۱۲) و نیز از دیگر استعمالات این کلمه «قری حصینه» (حشر/۱۴) یعنی دژی که صاحبش را از آسیب باز می‌دارد.

۲- تحلیل واژگان دارای روابط همنشینی با «احسان» بیانگر آن است که ایمان به آیین اسلام و ازدواج که زمینه استفاده حلال از میل جنسی را فراهم می‌آورد، مانند زره جنگی یا دژی مستحکم برای انسان بوده و مانع از انحراف و آلودگی او و در نتیجه مورد تهمت قرار گرفتن توسط دیگران می‌شود.

۳- تحلیل واژگان دارای روابط جانشینی با «احسان» بیانگر آن است که انسان با حفاظت از حریم الهی و پرهیز از چیزهایی که حلال نیست، می‌تواند به «عفت» به عنوان یکی دیگر از شرایط تحقق «احسان» دست یابد.

۴- تحلیل واژگان دارای تقابلی معنایی با «احسان» بیانگر آن است که پرهیز بدون دلیل از ازدواج، بردگی و میل به روابط نامناسب پنهانی و آشکار با نامحرم، از جمله عوامل از دست دادن شرایط «احسان» است.

۵- به رغم اینکه از نظر احکام فقهی بر ازدواج به عنوان یکی از شرایط مهم تحقق «احسان» تأکید شده و در شدت مجازات فرد مجرم مدنظر است، اما از نظر احکام اخلاقی، صرف عدم ازدواج، مانع از تحقق «احسان» و مجوزی برای شکستن حریم الهی در مسائل جنسی نیست.

کتابنامه

- قرآن کریم: ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش): «النهاية في غريب الحديث والأثر»، تحقيق: محمود طناحي، قم: موسسه مطبوعاتي اسماعيليان، چاپ چهارم.
- ابن جوزي، عبدالرحمن (۱۴۰۷ق): «نزهة الاعين النواظر في علم الوجوه والنظائر»، تحقيق: كاظم الراضي، بيروت: موسسه الرساله.
- ابن فارس، محمد (۱۴۲۳ق): «معجم مقاييس اللغة»، بي جا: اتحاد الكتاب العرب.
- ابن مكي، محمد (۱۳۷۴ش): «شرح لمعه دمشقيه»، قم: مكتب اعلام اسلامي.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق): «لسان العرب»، بيروت: دار صادر.
- ايزوتسو، توشى هيكو (۱۳۸۱ش): «خدا و انسان در قرآن»، ترجمه: احمد آرام، تهران: شركت سهامى انتشار.
- ايمانى، عباس (۱۳۸۲ش): «فرهنگ اصطلاحات حقوق كيفرى»، تهران: آريان.
- پالمر، فرانك رابرت (۱۳۹۱ش): «نگاهى تازه به معناشناسى»، ترجمه: كوروش صفوى، تهران: نشر مركز، چاپ ششم.
- تفليسى، حبش بن ابراهيم (۱۳۶۰ش): «وجوه قرآن»، تحقيق: مهدى محقق، تهران: بنىاد قرآن.
- جعفرى لنگرودى، محمدجعفر (۱۳۸۷ش): «ترمينولوژى حقوق»، تهران: گنج دانش.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق): «مفردات الفاظ القرآن»، محقق: صفوان عدنان، بيروت: دارالقلم.
- ركعى، محمد، نصرتى، شعبان (۱۳۹۶ش): «ميدان هاى معنابى در كاربست قرآنى»، قم: دارالحديث.
- سيدقطب، ابن ابراهيم (۱۴۱۲ق): «فى ظلال القرآن»، بيروت- قاهره: دارالشروق، چاپ هفدهم.
- سيوطى، جلال الدين (۱۴۰۴ق): «الدر المنثور فى تفسير المأثور»، قم: كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى.
- شريفى، على (۱۳۹۴ش): «معناشناسى قرآن در اندیشه شرق شناسان با تأكيد بر ايزوتسو»، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- صفوى، كوروش (۱۳۸۷ش): «درآمدى بر معناشناسى»، تهران: سوره مهر، چاپ سوم.
- طباطبايى، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ق): «الميزان فى تفسير القرآن»، قم: جامعهى مدرسین، چاپ پنجم.
- طبرسى، فضل بن حسن (۱۳۷۲): «مجمع البيان فى تفسير القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طريحي، فخر الدين (۱۳۷۵ش): «مجمع البحرين»، تحقيق: احمد حسيني اشكوري، تهران: مرتضوى، چاپ سوم.
- فخررازي، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق): «مفاتيح الغيب»، داراحياء التراث العربى، چاپ سوم.
- فيومى، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق): «المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير»، قم: موسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
- قاسمى، محمد جمال الدين (۱۴۱۸ق): «محاسن التاويل»، تحقيق: محمد عيون السود، بيروت: دار الكتب العلميه.
- قرشى بنايى، على اكبر (۱۴۱۲ق): «قاموس قرآن»، تهران: دار الكتب الاسلاميه، چاپ ششم.
- مصطفوى، حسن (۱۳۷۴ش): «التحقيق فى كلمات القرآن الكريم»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
- مكارم شيرازى، ناصر (۱۳۷۴ش): «تفسير نمونه»، تهران: دارالكتب الإسلاميه.
- نويسندگان (۱۳۸۷ش): «دائرة المعارف قرآن كريم»، قم: بوستان كتاب.
- Burton, John, (1974), Journal of semitic studies, , Vo 19, pp 47- 74.

Bibliography

- Holy Quran: translated by Nasser Makarem Shirazi
- Ibn Athir, Mubarak bin Muhammad (1367 SH): "Al-Nahiya fi Gharib al-Hadith and Athar", research: Mahmoud Tanahi, Qom: Ismailian Press Institute, 4th edition.
- Ibn Jozi, Abd al-Rahman (1407 A.H.): "Nazha al-Ain al-Nawazir in the science of al-Ajuwa and the like", research: Kazem al-Razi, Beirut: Al-Rasalah Institute.
- Ibn Faris, Muhammad (1423 A.H.): "Majam Maga'is-al-Lagha", Bija: Ittihad Al-Kitab Al-Arab.
- Ibn Makki, Muhammad (1374SH): "Explanation of Lamea Damascus", Qom: School of Islamic Information.
- Ibn-Manzoor, Muhammad bin-Mukaram (1414 AH): "Languages of the Arabs", Beirut: Dar Sadir.
- Izutsu, Toshi-Hiko (1381SH): "God and Man in Qara", translation: Ahmad Aram, Tehran: Publishing Company.
- Imani, Abbas (1382 SH): "Dictionary of Criminal Law Terms", Tehran: Arian.
- Palmer, Frank Robert (1391 SH): "A New Look at Semantics", translated by: Korosh Safavi, Tehran: Nash Karzan, 6th edition.
- Tbilisi, Habish Ibn Ibrahim (1360SH): "Faces of the Qur'an", research: Mehdi Mo-haqq, Tehran: Qur'an Foundation.
- Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar (1387SH): "Legal Terminology", Tehran: Ganj Danesh.
- Ragheb -Esfahani, Hossein -Ben -Mohammed (1412 AH): "Vocabulary of the Qur'an", researcher: Safwan Adnan, Beirut: Dar al-Qalam.
- Rakei, Mohammad, Nosrati, Shaaban (1396 SH): "Semantic Fields in Quranic Application", Qom: Dar al-Hadith.
- Seyed Qutb, Ibn Ibrahim (1412 AH): "In the Shadows of the Qur'an", Beirut-Cairo: Dar al-Shoroq, 17th edition.
- Siyuti, Jalal al-Din (1404 A.H.): "Al-Dar al-Munthur in Tafsir al-Mathur", Qom: Aya-tollah Murashi Najafi Library.
- Sharifi, Ali (1394 SH): "The Semantics of the Qur'an in the Thought of Orientalists with an Emphasis on Izutsu", Qom: University of Religions and Religions Publications.
- Safavi, Kurosh (1387 SH): "Introduction to Semantics", Tehran: Surah Mehr, third edition.
- Tabatabayi, Seyyed Muhammad Hossein (1417 AH): "Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an", Qom: Madrasin Society, 5th edition.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan (1372 SH): "Al-Bayan Assembly in Tafsir al-Qur'an", Tehran: Nasser Khosrow Publications, third edition.
- Tarihi, Fakhreddin (1375 SH): "Bahrain Assembly", research: Ahmad Hosseini Ashk-ouri, Tehran: Mortazavi, third edition.
- Fakhrizi, Muhammad bin Omar (1420 AH): "Mufatih al-Gheeb", Darahiya al-Tarath al-Arabi, third edition.

- Fayoumi, Ahmed bin Muhammad (1414 AH): "Al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir", Qom: Dar al-Hijrah Institute, second edition.
- Ghasemi, Muhammad Jamal al-Din (1418 AH): "Mahasan al-Tawail", research: Muhammad Ayoun al-Soud, Beirut: Dar al-Kutub al-Alamiyyah.
- Qurashi Banai, Ali Akbar (1412 AH): "Dictionary of the Qur'an", Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya, 6th edition.
- Moštafari, Hassan (1374SH): "Research on the words of the Holy Qur'an", Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Makarem Shirazi, Nasser (1374 SH): "Tafsir al-Mushon", Tehran: Dar al-Ketub al-Islamiyya.
- Authors (1387 SH): "Encyclopedia of the Holy Quran", Qom: Boštan Kitab.
- Burton, John, (1974), Journal of semitic studies, , Vo 19, pp 47-74



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰